



سید ابراهیم سید علوی

مدخل

کار و پیکار در همه زمینه های حیات بشری دارای ارزش است. طبعاً باید به تلاشگر و انجام دهنده کار، براساس ارزشگذاری و سنجش معقول، دستمزد پرداخت شود و این، یک اصل عقلایی است و تمام خردمندان جهان در این خصوص اتفاق نظر دارند. حتی بیگاری را محکوم می دانند و بهره کشی فرد از فرد (Exploitation) را بی پرداخت مزد، ستم تلقی می کنند. انسان های شریف و پای بند اصول انسانی از چنان کاری پرهیز می کنند.

بی تردید، پیامبران خدا هر یک در برهه هایی از زمان، مسئولیت خطیر نبوت را به عهده داشته اند و در راه هدایت و ارشاد و رهبری نسل های بشری کارهایی بسیار سخت کرده اند و اعمالی فوق العاده جانکاه انجام داده اند و رنج های فراوانی را متحمل شده اند.

و ناگفته پیداست که خداوند متعال از میان انسان ها، شایستگان و پاکان را برای رسالت برگزیده و برای پیام رسانی حتی، همه فرشتگان را مناسب ندیده است. ان الله یصطفی من الملائكة رسلاً ومن الناس (حج / ۲۲ / ۷۵) یعنی: خداوند از میان فرشتگان و مردم، رسولانی را برمیگزیند.

وأنهم عندنا لمن المصطفین الأخیار (ص / ۳۸ / ۴۷) یعنی: آنان (پیامبران) در نزد ما برگزیدگانی نیکوکارند.

الله اعلم حیث یجعل رسالته (الانعام / ۶ / ۱۲۴) یعنی: خدا داناترست که رسالتش را در کدام جای بگذارد.

با در نظر گرفتن این بیان، سؤالی در این جا مطرح می شود بدین سان: پیامبران و سفیران الهی در برابر آن همه رنج و درد و در مقابل آن همه کار و کوشش توان سوز و در برابر تلاش های شانه روزی برای هدایت مردم و نجات ایشان از تباهی ها و رهایی انسان ها از بندهای اسارت بار

دنیایی، اولاً: پاداشی از مردم توقع داشته اند و خواسته اند؟ ثانیاً: اگر داشته اند، چه بوده است؟ اگر نه، چرا، چه گونه؟

خوش بختانه قرآن در این مقوله، آیاتی روشن دارد و طی آن ها ابعاد مختلف سوالات فوق، پاسخگویی شده که اگر آن سلسله آیات با انسجام و ارتباط موضوعی که دارند دنبال شوند ایده ای عالی و فکری ناب و بحث زیبای اجتماعی، نتیجه می دهد.

ما با مراجعه به قرآن کریم و بررسی موضوعی آیه های مربوط، به چندین نوع آیه در زمینه عنوان بحث مقاله حاضر یعنی مزد رسالت، برخوردیم و آن ها را با تفاوت ظاهری مضمون شان دسته بندی کردیم و قبل از پرداختن به بررسی آیات به حدیثی گویای این که رسول خدا بر ره تمثیل، خود و علی علیهما الصلوة والسلام را اجیر امت مسلمان دانسته اشاره می کنیم.

اصبغ بن نباته، علی علیه السلام را که در بستر شهادت آرمیده بود عیادت کرد. امام فرمود: ای اصبغ! آن سان که تو به عیادت من آمدی من نیز رسول خدا را در بستر مرض وفات عیادت کردم؟ فرمود: ای ابالحسن! برو و مردم را به مسجد فراخوان و بر منبر من یک پله پایین تر بنشین و بگو: الا من عق والدیه، فلعنة الله علیه، الا من ابغى موالیه فلعنة الله علیه، الا من ظلم اجیراً اجرته فلعنة الله علیه. یعنی: نفرین بر عاق والدین و نفرین بر فرار کننده از مولای خویش و نفرین بر کسی که به مزد بگیري ستم کند و مزد او را نپردازد. من چنان کردم که رسول خدا فرمود. مردم از من توضیح خواستند. گفتم: رسول اکرم، بیش از این چیزی نفرمود. نزد آن حضرت برگشتم و توضیح خواستم. ای اصبغ این سان که دست تو در دست من است، دست من در دست رسول خدا بود او فرمود: ای ابالحسن! من و تو پدر این امت هستیم. نفرین بر آن که ما را فرمان نبرد و من و تو مولای این امتیم؟ نفرین بر کسی که از ما گریزان باشد و من و تو اجیر این امتیم. نفرین خدا بر کسی که بر ما ستم کند و مزد ما نپردازد.^۱

اما آیات قرآنی در زمینه نفی و اثبات مزد رسالت

۱. آیه هایی که به طور مطلق و بدون استثنا وجود هر گونه مزدی را نفی می کنند.
اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْئَلُكُمْ أَجْرًا فَهَم مِّمَّنْ هَدَىٰ (یس / ۳۶ / ۲۱) یعنی: از کسانی پیروی کنید که مزدی از شما نمی خواهند و خود، راه یافته اند.

و در آیه ای دیگر خطاب به پیامبر ﷺ با یک آموزش ویژه می گوید:
قُلْ لَّا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَّمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ (ص / ۳۸ / ۸۶) یعنی: بگو من از شما برای ادای رسالت هیچ مزدی نمی خواهم و اصولاً من از کسانی نیستم که خویشتن به رنج اندر افکنند. چنان که دیده می شود در این دو آیه، مطالبهٔ مزد به گونهٔ مطلق نفی شده و به هیچ روی چیزی به سان دستمزد استثنا نگشته است.

۲. در بخش دوم، آیاتی را می خوانیم که در آن ها اجر به طور مطلق انکار نشده هر چند که مطالبه اجر از مردم، نفی شده است. به عبارت دیگر، در این سلسله آیات، پس از نفی

درخواست مزد، از سوی پیامبران در ازای ادای رسالت و تبلیغ وحی، استثنایی صورت گرفته و وجود اجری را، فی الجمله امری ثابت و حقیقی واقعی دانسته است جز این که دادن مزد، به عهده خداوند متعال گذارده شده است.

در سوره شعراء طی چندین آیه با یک عبارت، از قول حضرات نوح، هود، صالح، لوط و شعیب خطاب به امت های شان چنین آمده است: وما استلکم علیه من اجران اجری الا علی رب العالمین (شعراء/ ۲۶/ ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴، ۱۸۰). یعنی: من مزدی بر ادای مسئولیت پیامبری، از شما نمی خواهم، مزد من بر عهده پروردگار عالمیان است. پس اجری که از مردم خواسته شود نیست لیکن اجری در خور پیامبران بر عهده خداوند متعال است.

یا قوم لا استلکم علیه اجرأ ان اجری الا علی الذی فطرنی افلا تعقلون (هود/ ۱۱/ ۵۱)

یعنی: ای خویشاوندان من! من دستمزدی از شما نمی خواهم. مزد من بر عهده کسی است که مرا آفریده است. چرا تعقل نمی کنید؟

و از قول نوح پیامبر چنین نقل فرمود: فان تولیتم فما سئلکم من اجر، ان اجری الا علی الله و امرت ان اکون من المسلمین (یونس/ ۱۰/ ۷۲) یعنی: اگر به آیین من نگرایید و به من پشت کنید من مزدی از شما نخواستم. مزد من جز بر عهده خداوند نیست و من مأمورم که از مسلمانان باشم.

۳. نوع سوم آیه هایی هستند که در آن ها نیز خواستن مزد و حاصل دسترنج از مردم نفی شده است و استثنایی در پایان آیه ها آمده است لیکن نه به صورت استثنایی که در نوع دوم آیات، ذکر شده و آن را بر عهده خدا ثابت دانسته باشد بلکه آن، با تعبیری متفاوت و نکاتی به ظاهر مبهم برگزار گردیده است. در جایی خطاب به رسول اکرم و برای تسلی خاطر او در مخالفت و آزار مشرکان، فرمود: وما اکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین و ما تسئلهم علیه من اجران هو الا ذکر للعالمین. (یوسف/ ۱۲/ ۱۰۴) یعنی: بیش تر مردم، مؤمن نیستند هر چند که تو تمایل داری و دوست می داری که چنان باشند. و تو از ایشان مزدی نمی طلبی. جز این نیست که آن، فقط یادی است برای جهانیان.^۲

و در جایی دیگر همین مضمون با تصریح به مال و ذکر یک نکته ظریف در رفتار نه چندان پسندیده کفار که بیان کننده وقاحت آنان است، چنین آمده است: و یا قوم لا استلکم علیه مالا ان اجری الا علی الله و ما انا بطارد الذین آمنوا اثمهم ملاقوا ربهم و لکنی اریکم قوماً تجهلون (هود/ ۱۱/ ۲۹) یعنی: ای خویشاوندان! من مالی از شما نمی خواهم، اجر من جز بر عهده خدا نیست. من کسانی را که به من گرایند، واپس نمی رانم. اینان دیدار کنندگان کردگار خویش اند. ولی من شما را مردمانی سخت نابخرد می بینم.

در آیه ای دیگر پس از نفی مطالبه اجر از سوی رسول، استثناء شخص مطرح شده است که قابل توجه است: قل ما استلکم علیه من اجر الا من شاء ان یتخذ الی ربه سبیلاً (فرقان/ ۵۷/ ۲۹)

یعنی: بگو من بر ادای رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم مگر کسی که بخواهد به سوی پروردگارش راهی بگشاید.

یادواره بودن قرآن و وحی برای مردمان جهان. و وجود انسان‌های خدا جو و نظیر آن چه ارتباطی با درخواست و یا عدم درخواست مزد دارد؟ مفهوم آیات و ارتباط صدر و ذیل آن‌ها در این قسمت چیست؟ باید توضیح داده شود.

۴. در این بخش آیه‌ای را متذکر می‌شویم که پس از نفی طلب اجر از مردم، محبت اهل بیت به سان مزد رسالت بیان شده است و ظهور آیه در همین است: **قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا اِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ شَكُوْرٌ** (شوری / ۴۲/۲۳). یعنی: بگو، من از شما اجری بر آن نمی‌خواهم جز دوستی اهل بیت و هر کس عمل نیک انجام دهد، برای او در نکویی آن می‌افزایم و خداوند آمرزنده سپاسگزار است.

۵. آیه‌ای که به صراحت می‌گوید: آن مزدی که از شما برای رسالت خواستیم برای خود شماست. به دیگر سخن: آن مزد عاید خود شماست و سودی به خداوند و رسول ندارد.

قُلْ مَا سْئَلُكُمْ مِنْ اجْرِ فِهٖو لَكُمْ اَنْ اجْرِيْ اِلَّا عَلٰى اللّٰهِ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شٰهِيْدٌ (سبأ / ۳۴/۴۷)

یعنی: بگو، آن مزدی که از شما خواستیم نیز برای شماست. پاداش من جز بر عهده خداوند نیست. او بر همه چیز شاهد است. مزدی که در این آیه، از آن سخن به میان آمده، کدام است؟ بی‌شک این آیه ناظر بر آیه بیست و سوم سوره شوری است که محبت ذوی القربی در آن، اجر رسالت عنوان شده است و در این مورد نیز توضیح خواهیم داد.

۶. در چندین آیه دیگر سخن بی‌پرده گفته شده و از نقطه ضعف انسان در زمینه مال و منال دنیوی، گفت و گوی میان آمده است: **اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّ لَهْوٌ وَّ اَنْ تُوْمِنُوْا وَّ تَتَّقُوْا يُؤْتِكُمْ اَجُوْرَكُمْ وَّ لَا يَسْئَلُكُمْ اَمْوَالِكُمْ وَّ اَنْ يَسْئَلِكُمْ مَّا فِيْهَا فَيَحْفَظْكُمْ تَحْفَظُوْا وَّ يَخْرُجْ اَضْعَافًا كَثِيْرًا** (محمد / ۴۷/۳۶).

یعنی: زندگانی دنیا، جز بازیچه نیست و اگر ایمان آورید و تقوی پیشه سازید دستمزدهای شما را به شما می‌دهد و دارایی‌های شما را از شما نمی‌خواهد و اگر بخواهد و اصرار بورزد، بخل می‌ورزید و کینه‌های دل را بیرون می‌ریزد.

در آیه دیگر نیز چنین می‌خوانیم: **اَمْ تَسْئَلُهُمْ اجْرًا فِهٖم مِّنْ مَّغْرَمٍ مِّثْلُوْنَ** (طور / ۵۲/۴۷)

یعنی: یا، تو از ایشان مزدی می‌خواهی. پس آنان از تاوانی که می‌پردازند خود را گرانبار می‌انگارند.^۳

با ملاحظه آیات یاد شده، چند نکته را ذیلاً خاطر نشان می‌سازیم

۱. پیامبران خدا، ابداً مزد مادی و مالی از مردم برای انجام و ادای رسالت او نخواسته‌اند.
۲. پاداش در خور رسولان مخلص را که فرمان خدا را برده‌اند و رسالات الهی را به مردم تبلیغ کرده‌اند و در این راه سختی‌ها دیده‌اند، فقط خداوند خواهد داد و بس.
۳. هر چند مزد مادی از مردم و در مقابل ادای رسالت و تبلیغ وحی، منتفی است و اگر چه

عمل پیامبران، خالص برای خداست و معامله گری در کار نیست، لیکن گونه ای پاداش عملی مطرح است، همان گونه که کارگر با دریافت دستمزد استحقاقی خود احساس لذت می کند و خستگی از تنش بیرون می رود پیامبران هم با تحقق یافتن آن، گویا آن همه زحمت برای شان گوارا می شود و آن عبارت است از اهدای انسان، بازگشت به فطرت سلیم، تعقل و اندیشیدن، تسلیم گشتن در برابر حق، رفع جهالت و بیخردی، اطاعت از نیکان و صالحان و به یک سخن، امامت و پیشوایی اهل بیت عصمت و طهارت.

۴. اجر یعنی: مزد، دستمزد و پاداش استحقاقی در برابر انجام عمل خیر و کار نیک. راغب اصفهانی می نویسد: اجر، آن چیزی است که انسان به عنوان پاداش دنیوی و یا اخروی عمل خیر دریافت می دارد «و آتیانه اجره فی الدنیا» (عنکبوت / ۲۷/۲۹) یعنی: پاداش او را در دنیا دادیم. «ولاجر الآخرة خیر» (یوسف / ۵۷/۱۲) یعنی: پاداش آن جهانی بهتر است.

پس اجر، پاداش نیک را گویند در مقابل جزا که اعم است و به نتیجه عمل به طور کلی پاداش و کیفر، هر دو اطلاق می شود. «وجزا هم بما صبروا جنه و حریرا» (انسان / ۱۲/۷۶) یعنی در برابر صبری که کردند به ایشان، بهشت و ابریشم پاداش دادیم. «ذلك جزائهم جهنم» (کهف / ۱۸/۱۰۶) یعنی: آنک دوزخ سزای ایشان است.^۴

بنابراین اجر اولاً: در مورد کار نیک و عمل خیر به کار می رود. ثانیاً: اجر، پاداشی است که کننده کار، استحقاق آن را پیدا می کند و بر عهده کار فرماست. و مستفاد از مجموعه آیات یاد شده این است که پیامبر از مردم دستمزد و اجر مالی و مادی نمی خواهد و چون او کار را برای خدا و امتثال امر او انجام داده، مزد وی با خداست که کار فرما اوست. هر چند که به لحاظ نعمت بودن رسالت، مردم باید عملاً شاکر باشند و این نعمت را سپاسگزار گردند و آن امتثال از فرمان خدا و اطاعت از رسول او و دوستی اهل بیت مطهر اوست، با اثری عملی که اطاعت و پیروی باشد. با این بیان، میان شش نوع آیه در زمینه نفی و اثبات مزد رسالت، وحدت مفهوم و انسجام موضوع ایجاد می شود و احیاناً تنافی ظاهری برطرف می گردد.

قبل از آن که در پرتو آیات یاد شده و آیات امر فرمانبرداری از خدا و رسول و اولی الامر یک بحث اجتماعی قرآنی را ارائه دهیم، ابتدا به نقدی از متکلمان بزرگ می پردازیم. سپس نظرات مفسران را می آوریم و در پایان به آن بحث اصلی که از آموزش های اصولی قرآن است، می پردازیم.

نقدی بر شیخ مفید (ره)

ابوجعفر صدوق علیه الرحمة فرمود: اعتقاد ما در مورد آل علی آن است که آنان فرزندان رسول الله هستند و مودت ایشان واجب است زیرا اجر رسالت است.^۵ (شوری / ۲۳/۴۲)
شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه فرمود: صحیح نیست گفته شود که مودت اهل بیت مزد پیامبر است زیرا دستمزد رسول خدا در تقرب به خداوند متعال، ثواب دایم است و خداوند بر

اساس عدل و کرمش چنان ثواب و مزد استحقاقی را خواهد داد. و این مزد استحقاقی ربطی به بندگان ندارد و عمل، خالص برای خدای متعال است و دستمزد هم بر عهده اوست. وانگهی، آن که خدای تعالی فرمود: ای مردم! من بر ادای رسالت مزدی نمی خواهم و مالی از شما درخواست نمی کنم. اجر من نیست مگر بر خدا. (هود/۱۱/۲۹). و در موضع دیگر فرمود: ای قوم! من اجری بر انجام نبوت از شما سؤال نمی کنم، نیست اجر من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است^۶ (هود/۱۱/۵۱)

پس اگر مودت اهل بیت اجر رسالت می بود آن گونه که ابوجعفر صدوق، پنداشته است، در قرآن تناقض یافت می شد زیرا تقدیر کلام چنان خواهد بود: بگو من بر ادای رسالت، اجری نمی خواهم، بلکه بر ادای رسالت اجر می خواهم! و یا به عبارت دیگر چنین می شد، مزد من فقط بر خداست و یا مزد من جز بر خدا نیست، و اجر من بر خدا و دیگری است! درست نیست که آیات قرآنی را چنین معنی کنیم.

سؤال: اگر کسی پرسد پس معنی آیه ای که مودت قربی را اجر رسالت می داند چیست؟
جواب: معنای آیه آن گونه نیست که شما پنداشتید چون حجت عقلی و قرآنی آوردیم که چنان چیزی ما را به تناقض می کشاند و استثنا در آیه ۲۳ شورا، استثنای منقطع است نه متصل و معنا چنان است: بگو: من برای رسالت مزدی نمی خواهم ولی شما را به دوستی اقربا وامی دارم. پس آیه از دو جمله جدا از هم تشکیل شده است: قسمت اول: قل لا اسئلكم علیه اجرا، و قسمت دوم: الا المودة فی القربی^۷

با ملاحظه مجموعه آیات یاد شده در امر اجر رسالت، با استفاده از شیوه تفسیر قرآن با قرآن و با بهره گیری در فهم آیه ای از آیه دیگر، مجالی برای تناقض و تنافی باقی نمی ماند و سوکمندانه باید گفت که شیخ مفید علیه الرحمه به همه آیات مربوطه، توجه فرموده و آن ها را در ارتباط به هم نسنجیده است و اگر آیه: «ما سئلتکم من اجر فهو لکم» را یاد می کردند نفی کلی اجر نمی فرمودند که در تناقض وحدت موضوع شرط است و آن چه در برخی از آیات نفی شده، اجر مادی و مالی و دنیوی صرف است، اما مودت اهل بیت که به ظاهر آیه ۲۳ شورا، اجر رسالت تلقی شده و صدوق علیه الرحمه بر آن اساس، آن را عقیده شیعه دانسته اند، چیز دیگری است و اجری نه از نوع اجرهای عادی و معمولی است. پس آن چه نفی می شود، با آن چه اثبات می گردد، دو چیزند نه یک چیز.

نظرات مفسران

آراء مفسران در تفسیر آیات اجر رسالت که حدود هفده آیه است و در سوره های مختلف پخش است و متفاوت است. برخی از آن ها واقعاً نظراتی من عندی و نوعی تفسیر به رأی است و هیچ شاهد و دلیلی بر درستی آن نیست.

استاد علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان به غالب آن نظرات پرداخته و نقادی کرده

واشکال یکایک آن‌ها را بیان فرموده است و با بهره‌گیری از تفسیر کشف نظری منطبق بر آن چه از قرآن مستفاد است ارائه داده‌اند.

طبرسی در تفسیر آیهٔ چهل و هفت سبأ که در بقیهٔ آیات نیز مطلبی مشابه فرموده می‌نویسد: بگو ای محمد! من برای تبلیغ رسالت، متاع دنیا نمی‌طلبم تا مرا متهم کنید. آن چه از شما خواسته‌ام از خودتان باد. آن را هم به شما بخشیدم و چیزی از آن برای خود نمی‌خواهم. این مضمون از ابوجعفر علیه السلام روایت شده است و در تفسیر آیهٔ پنجاه و هفتم فرقان نوشته است: من مزدی از شما نمی‌خواهم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش اتخاذ کند با انفاق مال برای رضای او و در راه طاعت او. معنی آن است که من برای خودم چیزی نمی‌خواهم ولی شما را هم باز نمی‌دارم که در راه رضای او مالی انفاق کنید و شما را بر این کار ترغیب و تشویق هم می‌کنم.^۸

سید قطب می‌نویسد: در این سوره (شوری) حقیقت وحی و رسالت و آن چه به آن مربوط می‌شود به عنوان هدف سوره، بارز و آشکار است و بر سایر مطالب سایه افکنده است و بالأخره در این سوره وحدت رهبری بشری در سایه وحدت عقیده، مطرح است. خداوند به بندگانی که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند بشارت می‌دهد و به رسول اکرم تذکر می‌دهد: بگو که من مزدی از شما جز مودتِ قریبی و اهل بیت، نمی‌خواهم و هر که کار نیک انجام دهد، برای او می‌افزایم^۹ و در تفسیر آیهٔ ۴۷ سوره سبأ می‌نویسد: در مرحلهٔ نخست مردم را به تفکر آرام و به دور از هرگونه تعصب فرا می‌خواند و می‌گوید: او جنون ندارد و از ایشان می‌خواهد نیک بیندیشند که چرا محمد صلی الله علیه و آله به انزار و دعوت آنان پرداخته است و مصلحت و انگیزه او در این کار چیست و چه نتیجه‌ای عاید او می‌شود «قل ما سألتکم من اجر فهو لکم». یعنی: مزدی که به من داده‌اید، پس بگیرید. این، اسلوبی است توأم با تهدید و سرزنش. هشدار و بیدار باشی است مفید و مؤثر. و در پایان آیه فرمود: اجر و مزد من با خداست. او مرا به چنین رسالت و دعوت برانگیخته است و پاداش من به عهدهٔ اوست. او می‌بیند که من چه نیت دارم و قصد و کارم چیست و چه می‌گویم.^{۱۰}

شیخ طوسی می‌نویسد: من رسالت را ابلاغ می‌کنم و مالی از دارایی‌های دنیا برای خود منظور ندارم بلکه ثمرهٔ این دعوت و تبلیغ برای شماست. اجر من بر خداست. از ابن عباس نقل شده که مراد از اجر، مودت است بدین معنی که محمد صلی الله علیه و آله از قریش، همان خویشانانش خواست که به سبب همین قرابت از آزار او دست کشند تا او دعوتش را دنبال کند.

و در تفسیر آیه بیست و سوم سوره شوری می‌نویسد: در این استثناء دو قول است: اول این که استثناء منقطع است. پس مودتِ اجر نیست و معنی چنین است: اجری از شما نمی‌خواهم ولی شما را به دوستی اهل بیت تذکر می‌دهم. دوم این که استثناء حقیقی است و مودتِ مزد تلقی شده هر چند که فی الواقع اجر عادی نیست. و در معنی قربای پیامبر که چیست

و کیست سه قول آورده است: کسان نزدیک پیامبر؛ تقرّب به خدای متعال؛ و دوستی محمد ﷺ از سوی قریش که خویشاوندان اویند، یعنی اگر ایمان نمی آورید، لا اقل حق خویشاوندی را رعایت کنید که من از شما هستم و با همدیگر نسبت داریم. قول درست در نظر من اولین است.^{۱۱}

مغنیه می نویسد: چرا محمد ﷺ را تکذیب کردند؟ آیا او آنان را به پرداخت تاوانی که از پرداختنش عاجز بودند، مجبور کرده بود؟ آیا او برای انجام رسالت و هدایت و ارشاد آنان، مالی خواستار شد که پرداخت آن برایشان دشوار بود؟ خداوند سبحان در اموال و دارایی اغنیاء سهمی را برای بینوایان به اندازه معقول نه کم نه بیش در نظر گرفته که اگر از حد معقول فزون تر می بود و برای ادای آن اصرار می کرد، آنان نمی پرداختند و نسبت به رسول خدا کینه پیدا می کردند.^{۱۲}

زمخشری می نویسد: معنای آیه (۴۷ سباء) این است که مزدی که از شما خواستم، مال شما باشد و این به دو معنی است. اول این که کنایه از نفی مطالبه اجر و مزد به کلی است، چنان که یکی از ما به دیگری گوید: آن چه به من داده ای، از خودت باشد؛ بگیر. یعنی چیزی نداده ای. دوم این است که اثبات مزد است منتهی مثل مضمون رهیابی به سوی خدا، مودت اهل بیت که سود آن به خود مردم بر می گردد و محبت اهل بیت، سامان یافتن زندگانی بشر است. از رسول خدا پرسیدند: قرابت شما که مودت شان واجب است کیان اند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسر آنان.

از علی ﷺ روایت شده که او از حسادت مردم مکه به رسول خدا شکایت کرد. پیامبر فرمود: آیا خوشنود نیستی که تو یکی از چهارتنی هستی که نخستین بار وارد بهشت می شوند: من، تو، حسن و حسین و همسران از سمت راست و چپ و ذریه ما از پشت سر همسران مان.^{۱۳}

فخر رازی می نویسد: آل محمد کسانی هستند که شؤون زندگی شان به پیامبر بر می گردد و کسانی که تعلق و ارتباط شان به رسول اکرم، شدیدتر و کامل تر باشد آل محمد، ایشان هستند. و تردیدی نیست که وابستگی فاطمه و حسن و حسین & به رسول الله، بسیار شدید بوده است و ما در این زمینه احادیث متواتر داریم. پس، آل، به طور قطع ایشان اند.^{۱۴} استاد علامه طباطبایی هم مثل بقیه مفسران به تناسب آیات مثبت و یا نافی اجر رسالت گاهی به اجمال و دیگر گاه به تفصیل، به تفسیر آن ها پرداخته اما با همان شیوه مرضیه شان، هفت قول منقول و اظهار شده در معنی قربی و مودت ایشان و مراد از آن، همه را نقادی و هفتمین را همانند شیخ امامیه طوسی، تأیید و اثبات فرموده است. ما در این مقال آن موارد را مسکوت می گذاریم و فقط مورد هفتم را نقل و به جمع بندی می پردازیم.

گفته شده مراد از «مودت در قربی» دوستی و محبت آل محمد است و روایاتی متواتر در

تفسیر آیه و تطبیق آن بر ایشان وارد است. علاوه بر روایات فراوان و مستقل دیگر از فریقین به طور کلی مبنی بر لزوم مودت آل بیت، نقل شده است و تأمل کافی در سلسله روایات دیگر که مردم را در فهم کتاب و سنت و معارف دینی، به اهل بیت ارجاع داده مثل حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال آن، مجالی برای تردید باقی نمی گذارد که مودت اهل بیت به عنوان مزد رسالت نوعی ارجاع مردم است به ایشان و مطرح کردن مرجعیت علمی و دینی اهل البیت است. پس مودت اهل بیت بر فرض اجر رسالت بودنش چیزی جز تضمین بقاء و دوام دین نیست پس آیات در معنا و مفهوم به ظاهر متفاوت شان، کاملاً هماهنگ اند.

زیرا آن چه نفی می شود، طلب مزد برای ادای رسالت و دعوت دینی است و آن اصلی است که از بسیاری پیامبران مثل نوح، هود، صالح، لوط و شعیب در خطاب با امتان شان، حکایت شده و از رسول خدا نیز چنین چیزی نقل شده است. در این سلسله آیات علت نفی طلب اجر هم ذکر گردیده، بدین سان که وحی و دعوت دینی، همگانی است و متعلق به همه بشریت است و اختصاص به امتی دون امتی ندارد تا از ایشان اجر طلب شود و معنای آیه ۵۷ سوره فرقان، جزدعوت توحیدی موفق، چیز دیگر نیست. پس مزد کجاست؟ اما آیه بیست و سوم شوری که مودت اهل بیت را مزد رسالت مطرح کرده با در نظر گرفتن بقیه آیه های قرآنی در زمینه رسالت، هیچ تردیدی باقی نمی ماند که این دوستی جز اجابت دعوت توحیدی در مجموع یا بخش معتابه آن نیست. و ظاهر آیه آن است که استثناء متصل و حقیقی است و مودت قریبی حقیقتاً، اجر تلقی شده است، به تکلفی که برخی در استثناء منقطع دانستن «الأمودة» متحمل شده اند، نیازی نیست^{۱۵}.

در ادبیات عرب و در اشعار محبان اهل البیت اجر رسالت بودن، دوستی اهل بیت، امری محرز تلقی شده است:

مودتهم اجر الرسالة عدلها
یعنی: دوستی اهل بیت، پاداش رسالت و معادل آن است. این نکته را که امری مسلم است، از خداوند صادق الوعد فرا بگیر.

کاظم آذری شاعر آل البیت نیز فرمود:
لم ير الله للنبوّة اجراً
غیر حفظ الوداد فی قرباها^{۱۷}
یعنی: خداوند برای نبوت پاداشی شایسته ندید جز نگهداشت دوستی نزدیکان پیامبر گرامی.
رأيت ولايی آل طه وسبیلة
علی رغم اهل البعد یورثی القربا
فما طلب المبعوث اجراً علی الهدی
تبلیغہ الا المودّة فی القربی^{۱۸}

یعنی: دوستی آل طه را به رغم دشمنان دور از رحمت الهی و سبیله ای دیدم که موجب نزدیکی به خدا است. پیامبر مبعوث بر دعوت و هدایت مردم و تبلیغ دین، مزدی نخواست جز دوستی قریبی و خاندان رسول را.

جمع بندی بحث

در نتیجه بررسی آیات هفده گانه مثبت و نافی اجر رسالت و حاصل سنجش آراء و نظرات مفسران بر معیار روایات متواتر و قطعی که در تفسیر آن ها ابراز شده و با به کار بستن شیوه تفسیر قرآن به قرآن و با استفاده از روایات مأثور از معصومین، به نکات زیر می رسیم.

۱. پیامبر اکرم در ازاء ادای رسالت و دعوت دینی، اجر و مزد مادی و مالی از مردم نخواسته است.

۲. مزد کار دعوت رسول خدا، که فرمان حق تعالی را برده اند و دستور او را اجرا کرده اند و این عمل را خالصانه انجام داده اند، به عهده خداوند است.

۳. مودت اهل بیت و دوستی خاندان عصمت و طهارت، مزد رسالت شناخته شده است.

۴. مراد از اهل بیت، آل علی و بنی فاطمه و حسن و حسین و ذریه ایشان علیهم الصلوٰة والسلام اند. نه قریش و نه دیگران.

۵. آن گونه که برخی ادعا کرده اند، مقصود از آیه، مودت قریش نسبت به پیامبر و یا به عکس محبت رسول اکرم نسبت به خویشاوندانش یعنی همان قریش نیست؛ زیرا اولاً جمله «المودة فی القربی» در چنان معنایی، ظهور ندارد.

ثانیاً: بر اساس آیات قرآنی هر چند که صله رحم و محبت به خویشاوندان پسندیده است لیکن دایره آن محدود است. مشرکان و کافران را هرگز شامل نمی شود هر چند از اقربای انسان باشند.

لا تجد قوماً یؤمنون بالله والیوم الآخر. یؤذون من حادّ الله ورسوله و لو كانوا آبائهم او اخوانهم او عشیرتهم» (مجادله / ۵۸ / ۲۲)

یعنی: مردمی که به خدا و روز واپسین، ایمان دارند، چنان نیستند که دشمنان خداوند و رسول را دوست داشته باشند هر چند که آن ها، پدران و فرزندان و برادران یا خویشاوند ایشان باشند.

۶. مودت و محبت اهل بیت که در آیه، مزد رسالت تلقی شده، مجرد دوستی صوری و ظاهری نیست بلکه مودت عملی مراد است. و آن محبت توأم با تبعیت است «قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (آل عمران / ۳ / ۳۱) یعنی: بگو: اگر خدا را دوست می دارید پس از من رسول، پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد. چنان که شاعر، همین مطلب را چنین می گوید:

هذا العمری فی الفعال بدیع

تعصی الاله وانت تظهر حبه

ان المحب لمن یحب مطیع

لوکان جبک صادقاً لأطعته

یعنی: خدا را نافرمانی می کنی در حالی که محبت او را اظهار می کنی، به جانم قسم! این، کار شگفتی است. اگر محبت تو، راست می بود اطاعت او می کردی که دوستدار، نسبت محبوب، مطیع و فرمانبردار است.

۷. پس محبت واقعی، اطاعت به دنبال دارد و مودت پیامبر و اهل بیت او تضمین تمام عیار دعوت توحیدی و رسیدن انسان به زلال زندگانی انسانی است و این معنی، به اصطلاح اجر تلقی شده است.

۸. بر خلاف عرف عادت که مزد، فقط برای انجام دهنده کار، مفید واقع می شود، چنین اجری، سودی همگانی دارد و خیر آن به همه بشریت می رسد. ما سئلتکم من اجر فهو لکم. مطرح شدن اهل بیت و رهبری ایشان، هدایت و رشد و تعالی گسترده جامعه ها را نتیجه می دهد و وقتی همه نسل های بشری عملاً تحت رهبری همه جانبه انسان کامل که همان امامان اهل بیت و پیروان راستین ایشان اند، جای گیرند. پیامبران همانند کارگرانی خواهند بود که کاری کرده و زحمتی کشیده و به نتیجه مطلوب رسیده باشند و خستگی از جان شان بیرون می رود و مودت اهل بیت فقط به این معنا اجر و مزد رسالت شناخته شده است و بس.

۱. شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ۱/ ۱۲۹ اسلامیة، طاهر خوشنویس؛ تفسیر فوات کوفی در تفسیر آیه سوره فرقان.
۲. همین آیه در سوره انعام / ۹۰، با تفاوتی در پایان آیه (ان هو الا ذکرى للعالمین) آمده است.
۳. همین آیه را در سوره قلم آیه ۴۶ بخوانید.
۴. رجوع کنید به: راغب اصفهانی، المفردات، ماده اجر و جزا.
۵. الاعتقادات ص ۱۱۱، سری مصنفات شیخ مفید، کنگره هزاره، شماره پنجم، قم.
۶. صائب عبدالحمید، المقالات والرسالات، رقم ۳۶ القرآن الکریم فی مدرسة الشیخ المفید، سری نشریات کنگره، قم.
۷. رجوع کنید به: تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۱۴۰، سری مصنفات شیخ مفید، کنگره هزاره، شماره ۶، قم.
۸. رجوع کنید به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۸/ ۱۷۵، ۱۹۶، ۳۹۶، ۴۸۷؛ ۴/ ۳۳۱؛ ۵/ ۱۵۶، ۲۶۷ و ۱۲۳.
۹. سید قطب. فی ظلال القرآن، ۵/ ۳۱۳۷، چاپ دارالشروق، بیروت.
۱۰. همان، ص ۲۹۱۵.
۱۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان، افست بیروت، ۸/ ۴۰۶؛ ۹/ ۱۵۸.
۱۲. محمد جواد مغنیه، الکاشف، بیروت، دارالعلم الملايين، ۳/ ۲۲۱؛ ۷/ ۷۰، ۱۶۹، ۳۹۸.
۱۳. محمود زمخشری، الکشاف، ۳/ ۵۹۰، ادب الحوزه، قم.
۱۴. امام فخر رازی، تفسیر کبیر، ۲۷/ ۱۶۶. افست تهران. و در تفسیر آیه ۹۰/ انعام و ۲۳/ شوری و ۴۷/ سبأ مطالبی را گفته که غالباً در تفاسیر تکرار شده است و استاد علامه بر آن سخنان نظر دارد که اشاره می شود.
۱۵. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، چاپ نخست، تهران، ۱۶/ ۴۱۴ و ۱۸/ ۴۲.
۱۶. الامام زین العابدین، عبدالرزاق مقرر.
۱۷. شیخ کاظم ازری، قصیده هائیه.
۱۸. سید محمد باقر، روضات الجنات، چاپ قم، ۸/ ۵۸.